روزنامهٔ رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین‌نامه‌ها - بخش‌نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

سال اول - شمارهٔ ٦ | مدیر : سید محمد هاشمی | یك شنبهٔ ۲۹ بهمن ماه ۳۲۳

دورهٔ چهاردهم قانونگذاری

شمارهٔ مسلسل ۱۳٦۲

مذاکرات مجلس

فهرست مندرجات

۱ - بقیهٔ صورت مشروح مذاکرات صدو چهارمین جلسهٔ مجلس شورای ملی صفحهٔ ۱ - ٥

۲ - اخبار مجلس صفحهٔ ٦

۳ - آگهی‌های رسمی و ثبتی صفحهٔ ۷

بقیهٔ جلسهٔ ۱۰٤

فرمودند که این قوانین هست بلی یك شرایطی برای سر دفتر ها تعیین شده است که بیشترش هم شرایط منفی است مثل اینکه محکوم بجنحه و جنایت نباشدو معتاد بافیون نباشد و چه‌وچه ما نخواستیم که اینهارا از بین ببریم و یا رعایت نکنیم ما میگوئیم که آن شرایط کافی نیست برای اینکه بوضعیت سر دفتر ها یك دقت بیشتری بشودو با یك شرایط صحیح تر و سنگین‌تری مخصوصا یك شرایط مثبت سنگین‌تری (نه شرایط منفی) دربین باشد که مطابق آن شرایط سر دفترها انتخاب شوند . دراین قانونی که خواندند هیچ تصریحی به معلومات سر دفترها نشده است .

فرهودی - چرا نوشته اند، نوشته شده که باید مجتهد یا لیسانسیه باشد (نایب رئیس - آقای فرهودی بی اجازه صحبت نکنید)

وزیر دادگستری - . . . میفرمائید که محکمه انتظامی نمیتواند اینهارا رسیدگی بکندو به تخلف آنها رسیدگی کند و اینها را منفصل کند درصورتیکه خود بنده در این دو سه ماهی که در وزارت عدلیه هستم و ازاین اختیاراتیکه قانون بمن داده است شاید یکقدری هم زیادتر استفاده کرده ام و هر سر دفتری که معامله معارض کرده است من اورا معلق کرده ام ولی البته حکم انفصالش را نمیتوانسته ام صادر کنم رسیدگی محکمه انتظامی وقتی است که تخلف بشود و محکمه انتظامی رسیدگی بکند آنوقت وزارت عدلیه از آن قانون و اختیاراتی را که دارد سر دفتر را معلق میکند ولی اگر نتیجهٔ رسیدگی منجر شد بحکم غیر از انفصال آنوقت وزارت عدلیه مجبور است که آن سردفتر را برگرداند بجای خودش، فرمودند که مسئولیت سردفتر ها درقانون هست خود این لایحه هم حکایت میکند که باتوجه بقوانین سابق این لایحه تنظیم شده است ومادراین لایحه پیشنهادنکرده ایم که یك مسئولیتی برای سردفترها ایجاد بشود اینها مسئول اعمال خودشان هستند فقط دراین لایحه ماخواسته ایم اشخاص دیگری راکه درضمن کلاه‌برداری یاجعلی در دفاتر اسناد رسمی مملکت کرده اند آنها را هم متضامناً مسئول کنیم پس آن موضوعی که مقصود این لایحه است موضوع تضامن است امروز فرض بفرمائید در همین قضیه‌ای که پیش آمده یکی نادری است یکی ربابه خانم است یکی هم سردفتر رضوان بموجب قانون سردفتر رضوان محکوم است ربابه خانم هم - وتااندازه ای که معلوم شود کلاهبرداری کرده است مجازات میشود ولی نادری که شاید بیشتر از همه در این امر استفاده کرده است اومسئولیت تضامنی نداردمقصود این است اشخاصی که خواه بعنوان مجرم اصلی خواه بعنوان معاون یا بعنوان شریك جرم وارد میشوند ومرتکب این کلاهبرداری میشوند تمام اینها متضامناً مسئول باشند برای اینکه مدعی کاملا مطمئن باشد که اگر درمقابل یك شخص غیرملی واقع شد درمقابل یك عوامل دیگری هم هستند که بتوانند ازعهدهٔ آن برآیند بنابر این قوانین مصوبه اگر کافی بود هیچ احتیاجی نداشت که وزارت دادگستری یك لایحهٔ جدیدی پیشنهاد بکند مضافاً باینکه لزوم پیشنهاد این لایحه هم بطورخصوصی ازطرف اکثر آقایان بوزارت دادگستری یاد آوری شده است (صحیح است)

نایب رئیس - بنده خیلی متاسفم که در موقعی که آقای فرهودی آن کلمه را به آقای وزیر عدلیه فرمودند متوجه نشدم که در همان موقع تذکر بدهم وعرض کنم که ایشان نباید یك همچو عبارتی را بفرمایند (صحیح است)

مخبر کمیسیون دادگستری - عرض کنم بنده خیلی متاسفم که هروقت یك قانونی مطرح می شود آقایان مطالبی را که مربوط بآن قانون نیست وشاید جنبهٔ خصوصی دارد مخلوط میکنندودرضمن آن قانون بعرض نمایندگان محترم میرسانند فرض بفرمائید که اگر کسی ببنده بی لطف است آن بی لطفی را درضمن این قانون مطرح میکنندو یاد آوری میکنندخیلی جای تعجب است ازشخص مؤدبی مانند آقای فرهودی که یك کلمهٔ را استعمال کنند که هیچ مناسبت بااین مورد نداشت ، عرضهٔ یك قانون را بمجلس شورای ملی نمیشود نیرنك نامید(اردلان - پس گرفتند آقا، تکرار نفرمائید)

فرهودی - آقا مطلب رابفرمائید.

مخبر - بنده مطلبی نشنیدم که مطلبی عرض کنم بنده چون یك چیزهائی شنیدم که نمیشود بآنها مطلب اطلاق کرد جواب آنها را میدهم ، نه آقای وزیر عدلیه نه کمیسیون دادگستری و نه هیچ کس میتواند ادعا بکند که آن نظری که شخص او پیدا کرده صددرصد صحیح ومصون از هر خطا و لغزشی است البته اینطور نیست نظر وزارت عدلیه این بوده است که پیشنهاد کرده و کمیسیون هم تصویب کرده است وآمده است بمجلس حالا اگر نواقصی داشته باشد وآن نواقص بنظر هر یك از آقایان برسد ماهم قبول میکنیم پس نباید حمله واعراض کرد از مطرح شدن قانونی درمجلس ، اماراجع باین قانون بنده تایید میکنم وتصدیق میکنم یك قسمت از فرمایشات آقای فرهودی را فرمایشات ایشان یك قسمتش مربوط بقانون نبود ولی یك قسمتش واردبود آنچه که فرمودند که مستخدمین اداری زیاد هستند این مکرر درمجلس مذاکره شده است و یکی از نواقص هم همین است که فرمودند ، بیشتر بودجه ما صرف کارمندان میشود این صحیح است اینکه فرمودند خلاصهٔ معاملات ثبت نشده و اجزاء اداره ثبت شاید یك تفتیش کاملی نکرده اند یا سردفترها بوظایفشان

• عین مذاکرات جلسهٔ یکصد وچهارمین ازچهاردهمین دورهٔ قانونگذاری، ادارهٔ تندنویسی وتحریر صورت مجلس.

رفتار نکرده اند [illegible] همه مورد تصدیق است اگر اینطور نبود که ما محتاج نبودیم این قانون را بیاوریم قانون اسناد رسمی را مانمیخواهیم عوض بکنیم ما قائل هستیم که سردفترها باید واجد همان شرایطی باشند که در قانون هست و حضرت عالی ملاحظه فرموده اید ولی این قانون درست اجرا نشده است و برای اینکه یك قانونی خوب اجرا بشود باید مجری خوب داشته باشد ما مدعی هستیم که سردفتر ها مجری خوبی نیستند که بتوانند آن شرایط را اجرا کنند وصلاحیت نداشته اند روزی که اینها را خواستند انتخاب بکنند دقت نکردند هر کس تقاضا کرد باو اجازهٔ سردفتری دادند ونتیجه‌اش این شد حالا این قانون پیشنهاد شده است که در عدهٔ آنها یك تعدیلی بشود ، این قانون بهیچوجه منافی با قانون سردفتر ها نیست، فرمودید که درماده ٤٣ قید شده است که وزیر دادگستری میتواند آنهارا تا درجهٔ ٤ مجازات کند حداکثر کاری که وزیر دادگستری میتواند بکند اینست که آنها را چند ماه از شغل خودشان منفصل کند و این برای منظور ما کافی نیست منظور اینست که یك هیئت معتمد عالی که طرف اعتماد ما است بسوابق تمام آنها رسیدگی بکند و هر کدام که سوابق و وضعیت خوبی ندارند از کار خارج کند درضمن ماده ٤٣ را که فرمودید این منظور ما راتامین نمیکند بنده یك روزی در یك اداره شنیدم که یکی از سردفتر ها قبلا پیشخدمت دفتر اسناد رسمی بوده ، پیشخدمت یکی از دفاتر اسناد رسمی بوده بعد چه حقه بازی کرده چطور اشخاص را اغفال کرده که حالا باین سمت سردفتری رسیده است (فرهودی - آنهائیکه باینها اجازه داده‌اند مجازات کنید).

مخبر - حالا ما امروز چطور کنیم که آنها را با سواد ومطلع تشخیص بدهیم باید یك هیئتی باشند که اینها را رسیدگی کنند وهر کدام لایق نیستند از کار خارج کنند (دکتر کشاورز - آنهائی هم که این اشخاص را سردفتر کرده‌اند باید تعقیب ومجازات شوند) البته آنها هم باید مجازات شوند ولی امروز موقع اینکار نیست در ماده دو که نوشته شده است باید متضامناً کلاهبرداریهائی که کرده‌اند وخساراتی را که باشخاص وارد آورده‌اند ازعهده برایند فرمودید که درقانون سابق هم هست که سر دفتر ها میبایستی ضامن بدهند درقانون سابق ابداً ندارد که سردفترها باید ضامن بدهند حالا دراین قانون ما این موضوع را نوشتیم چون غالباً آنهائیکه کلاهبرداریهائی میکنند برای اینکه بعداً نمانند خساراتی از آنها بگیرند خودشان رابی چیز ولات معرفی میکنند وبا این دسائس کار هائی میکنند این است که ما نوشتیم که مال دردست هر کس که بود وزارت دادگستری بتواند ازاو بگیرد واینکه فرمودید که علت عمده این بوده است که خلاصه معاملات را ثبت نکرده بودند این را بنده تصدیق میکنم ودر مقررات اداره ثبت هم هست که بایستی ثبت کرده باشند ولی چه کسانی موجب شده اند (فرهودی - اعضاء اداره ثبت اسناد) بله ولی یك موارد بسیار زیادی هم هست که اصلا ازدفاتر خلاصه معاملات را نفرستاده اند مثلا در مورد معاملات شمس جلالی و حاجی ربابه اصلا خلاصه معاملات را نفرستاده اند وازنظر همین عیوبات بوده است که ما آن قانون را اصلاح میکنیم.

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - ازصدر اسلام تاکنون گمان میکنم این تقلباتی که بعداز شهریور ۳۲۰ درمملکت شده درمحاضر شرعی ایرانی واقع نشده است (حاج آقارضا رفیع - اینها محاضر شرعی نبوده‌اند آقا) بله اجازه بفرمائید بعد بفرمائید بنده بعد نسبت بحضر تعالی هم عرایضی دارم که عرض میکنم باید دید که چه شد که وضعیت مملکت ما اینطور شده است باید از معلول پی به علت برد باید علت را فهمید که بچه علت اینطور شد بنظر بنده علت عمده این است که اینها عکس العمل دورهٔ دیکتاتوری است (صحیح است) یك شخصی در این مملکت از تمام امور کفالت میکرد از مجلس کفالت میکرد ازوزیر کفالت میکرد ازوزارتخانه کفالت میکرد از تمام امور کفالت میکرد وبالاخره بااین حال تا بود اوضاع اینطور نبود دراینجا من باید باآقای دهستانی موافقت کنم که باید چراغ برداریم وعقب دیکتاتور بگردیم

ساسان - اینطور نیست .

دکتر کشاورز - این فرمایش حضر تعالی برخلاف مشروطیت است .

نایب رئیس - (خطاب بآقای - ساسان ودکتر کشاورز) مطابق مادهٔ ۱۱۲ شما حق ندارید بین صحبت ناطق صحبت کنید (دکتر کشاورز - ایشان هم نباید مخالف مشروطیت صحبت کنند) .

دکتر مصدق — ولی اینطور نیست آقا مملکت که روی اصول دیکتا تو ری اداره شد تا دیکتاتور عمر دارد اگر دیکتاتور خوب باشد باز هم یك حرفی است ولی وقتی که دیکتاتور رفت چرخ های مملکت میخوابد پس مملکت نباید هیچوقت بااصل دیکتاتوری اداره شود مملکت باید حکومت ملی داشته باشد (صحیح است) مملکت باید افرادش لیاقت داشته باشند که دیکتا تور ظاهر نشود من نمیگویم دیکتاتور خوبست حالا که دیکتاتور بواسطهٔ یك حوادثی مرد بعد از فوت این دیکتاتور آقای دهستانی کی را پیدا میکرد که دراین مملکت بتواند کاری بکند پس مملکت باید روی قانون وحکومت ملی اداره شود ونظریات اشخاص دربین نباشد (صحیح است) پس این وقایعی که ملاحظه میفرمائید در این مملکت واقع میشود اینها عکس العمل دورهٔ دیکتا توریست جرائم زیاد شده چرا ؟ بجهة اینکه حکومت مقتدر نیست ثبت اسناد غلط کاری میکند چرا؟ برای این که وزیر نیست این پیش آمدها اصلا مربوط به نبودن قوانین نیست ماقوانین داریم ولی وزیر نداریم و کلا درکارها دخالت میکنند تمام مسائل اینطور شده است که ازبعد ازشهریور ۱۳۲۰ کارهای ما باین صورت درآمده است (صحیح است) این عقیدهٔ بنده است حالا ملاحظه بفرمائید قانون دفاتر اسناد ما یك قانون (لوادوسیر کنس تانس) است یعنی قانون زاده موقع است در موقعی که ثبت اسناد در این مملکت تشکیل میشد این قانون وضع شد در آنموقع در محاضر کارها باعلماء بوددولت خواست محاضر رسمی را تشکیل بدهد دید که اگر علما را درنظر نگیرد محاضر رسمی تشکیل نخواهد شد واین کار صورت نخواهد گرفت واسباب مخالفت خواهد شد بواسطهٔ اینکه علما را ساکت کنند . گفتند ما یك قانونی برای دفا ر اسناد وضع می کنیم وعلما یعنی همان محررین علماء هم بیایند سر دفتر بشوند که مخالفت نکنند وکارها هم اداره شود این قانون (لوا دو سیر کنس تانس بود) ولی امروز ما دیگر نمی‌توانیم آن قانون زاده موقع راعملی بکنیم آن شخص رفت و آن محظور ات هم از بین رفت امروز بعقیدهٔ بنده ثبت اسناد باید یك ادارهٔ رسمی دولتی باشد .

یکی از نمایندگان - دفتر اسناد .

دکتر مصدق - بلی دفاتر رسمی در دورهٔ دیکتاتوری درحدود پنجاه تا بیشتر نبوده است بعد هر کسی که بیشتر خواسته است استفاده بکند بوسیلهٔ یك آقائی یك وزیری رفته است ویك حکمی گرفته است و رفته است دفتر اسناد رسمی دائر کرده امروز دراین دفاتر رسمی یك رؤسائی هستند که درماه چهاهزار وپنج هزار تومان بیشتر میبرند واشخاصی هم هستند که هیچ نمی‌برند واین اشخاص برای اینکه بتوانند کار خودشان را اداره کنند میروند دربازار دلالی می کنند یعنی اشخاصی را میآورند ومعاملاتی میکنند که عایداتی بدولت بدهند وحقوق خود را دریافت دارند به عقیدهٔ بنده امروز دفاتر ثبت اسناد باید یك ادارهٔ دولتی باشد که مسؤل دولت باشند اگر ما بخواهیم اشخاص غیر مسؤلی را بیاوریم وبگوئیم شما سردفتر باشید ودفتر یار باشید بدون اینکه مسؤلیتی داشته باشند این فایدهٔ ندارد پس ما اگر بخواهیم دفاتر اسناد رسمی‌مان را درست کنیم باید به‌بینیم اروپائی ها چکار کردند ماهم مثل آنها بکنیم ما باید یك اشخاص مسؤلی را بیآوریم و دفتر اسناد رسمی را تشکیل بدهیم یعنی اشخاصی که متصدی کارهستند وحقوق دارند وشمول قانون استخدام هستند مطابق قانون استخدام کار بکنند وحقوق بگیرند و مسؤلیت داشته باشند ولی حالا این اشخاص که حقوق ثابت ومعینی نمیگیرند ازعهدهٔ مسؤلیت خودشان هم نمی توانند برآیند اگر اشخاص غیر مسؤلی را بیآورند که اجارهٔ خانه را بعهدهٔ آنها واگذار کنند قفسه و دفتر را آنها بخرند آنوقت عایداتی ، که اینهادر میآورند یك قسمتش راخودشان ببرند ویکقسمتش را هم باداره بدهند این اداره بهتر از این نخواهد شد بنده عقیده‌ام این است که بایستی اینجا مرقوم بفرمائید که وزارت عدلیه مختار باشد که این دفاتر را منحل بکند وبعد بصلاحیت علمی واخلاقی رؤسای دفاتر رسیدگی بکنند هر کدام را که خوب تشخیص دادند ابقاء کنند وآنها را که خوب نمیدانند منعزل کنند بعقیدهٔ بنده با وضعیت امروزه آقای وزیر عدلیه ازعهدهٔ این کار برنخواهد آمد .

برای اینکه توصیه وسفارش بقدری خواهد شد که من یقین دارم که مردمان بدرانگاه خواهند داشت و بمردم خوب توجه نمیکنند و بیرونشان میکنند (خنده نمایندگان) این است که من نمیخواهم آقای وزیر عدلیه خودشان را در یك همچو محظوری بیندازند چون بنده میدانم که قوهٔ ایشان ومقاومت ایشان چقدر است اینها یك چیز هائی است که باید درنظر گرفت واز عهده ایشان خارج است که بتوانند چشم خودشان را روی هم بگذارند وبگویند من یکساعت هم به کار وزارت خودم علاقه ندارم وبهیچ توصیه و سفارشی هم ترتیب اثر نمیدهم وبتمام معنی کار صحیح میکنم ومطابق وجدان خودم کار میکنم وهر ساعت هم که بگویند برو میروم ولی امروز توی این مملکت ما یك همچو وزیری نداریم که بتواند با این اوضاع نسازد واشخاص بدرا قبول نکند واشخاص خوب را که بیچاره هستند ویا کسی راندارند قبول بکند این است که بنده در این قسمت عقیده‌ام این است که بر فرض که اینکار را بخواهید بکنید گمان نمیکنم موفق شوید دردرجهٔ دوم برای عدهٔ لازم هم همین محظور هست وقتی که توصیه وسفارش زیاد شد همه اینها میمانند وهیچکدام ازبین نمیروند وراجع به ضمینی هم که در اینجا نوشته شده است این موضوع اصلا فایده ندارد برای اینکه برفرض شما از یك سر دفتری ده هزار تومان تضمین گرفتید این ده هزار تومان تضمین چه فایده دارد درمقابل یك کسی که دومیلیون ممکن است تقلب بکند از قراریکه بنده شنیدم سی و پنجهزار خلاصه معاملهٔ ثبت نشده دراداره ثبت اسناد موجود است که اعضاء ثبت میتوانستند این کارها راتفتیش بکنند و بوسیله ثبت این خلاصه معاملات از این تقلبات جلو گیری میشد چون درمعامله دوم وسوم معلوم میشد وجلو گیری میشد (صحیح است) وچون ثبت نشده بود یکی بعداز دیگری گذشت حالا ما باید این را درنظر بگیریم چون در مملکت یك همچو روز هائی هست بنابراین ما باید بورقه اهمیت ندهیم وقسمت سؤال از وضعیات را اهمیت بدهیم چون سئوال از وضعیات

منتهای چهل وهشت ساعت طول میکشد اولا این عمل ادارهٔ مرکزی را مجبور میکند که خودش در تمام کارها دخالت بکند واگر ملاك کارها ازروی سؤال وضعیات بود ولو اینکه چهل وهشت ساعت هم طول میکشید (اگرچه بعقیده بنده سؤال از وضعیت بیست و چهار ساعت بیشتر طول نمیکشد) بنظر بنده این عمل بعقیده بنده محکمتر است برای اینکه بورقه نمیتوان اطمینان پیدا کرد که در ورقهٔ مالکیت یك ملکی معاملاتی که شده صحیح بوده است یاخیر چون اگر دریك ورقه مالکیت یك ملکی چندین معامله شده باشد در دفاتر مینویسند نسخ شد . اقاله شد. آن دفتر معامله اسناد رسمی که بخواهد معامله بکند ممکن نیست که مهر وامضای آنهارا بشناسد مینویسد اقاله شد یك مهر هم پاش میزنند این خیلی مشکل است که یك سر دفتری برود دنبال آن ورسیدگی بکند که بابا این خط شما هست یا نیست ؟ این امضای شما هست یا نیست؟ بنابراین ممکن است تقلب بکنند ولی اگر سئوال ازوضعیات بکنند این برفرض اینکه ٢٤ ساعت یا ٤٨ ساعت هم طول بکشد دیگر اینطور نخواهد شد دیگر این اختلافات پیدا نخواهد شد ومعاملاتی که میشود از روی صحت خواهد شد بنده فعلا دیگر عرضی ندارم نظرم همان بود که عرض کردم ونظرم این است که اگر دولت بخواهد یك قانون محاضر رسمی بیاورد باید یك قانونی بیاورد که کاملا دولتی باشد ولی مثل تمام کارهای اداری که اشخاص باتوصیه میآیند وارد اداره میشوند و نمیتوانند یك کاری انجام بدهند آنطوری نباشد اگر نمیتوانند مسئولیت را قبول نکنند اینها برای مردم اسباب زحمت فراهم نکنند .

نایب رئیس - آقای وزیر دادگستری .

وزیر دادگستری — عرض کنم البته بطوریکه آقای دکتر مصدق فرمودند نه فقط این تخلفاتی که در دفاتر اسناد رسمی واقع شده است نتیجه آن عکس العمل است بلکه خیلی بی ترتیبی های دیگر این کشور هم در نتیجه همان عکس - العملی است که فرمودند ومن دیگر در این قسمت بیشتر از این وارد نمیشوم فقط میخواستم این را عرض کنم که درهیچ جای دنیا دفاتر اسناد رسمی اینطور که ایشان فرمودند جزو ادارات دولتی نیست در فرانسه . در بلژیك ، در سویس ، در ایتالیا آنجا هائی که بنده اطلاع دارم آنها یك مؤسساتی هستند که مستخدم دولت نیستند.

دکتر مصدق - درسویس دولتی است بنده خودم آنجا بودم

نایب رئیس آقای دکتر در ضمن نطق صحبت نفرمائید.

وزیر دادگستری - بنده عرض کردم در جاهائیکه اطلاع دارم ممکن است درسویس مستخدم دولت باشند .

ساسان - (خطاب بنایب رئیس) چرا هر کسی که دربین نطق صحبت میکند اخطار نمیکنید از لحاظ قدمت وسوابق تبعیض میکنید.

نایب رئیس - بنده اخطار کردم آقایان میدانند که بنده تبعیض نمیکنم و اظهارات آقا وارد نیست .

وزیر دادگستری - ولی در سایر جا ها که بنده اطلاع دارم مستخدم دولت نیستند ولی البته باید تحت نظارت دولت باشند همانطوریکه درایران هست و اینکه فرمودند در وزیر عدلیه آنقدر قوهٔ مقاومت نمی‌بینم تصور میکنم ایشان بجثه من نگاه کرده اند ولی بنده بیش ازآنچه که ایشان تصور کنند قوه مقاومت دارم وعلاقه هم بوزارت عدلیه ندارم روزی که دیدم درمقابل توصیه چه از طرف آقایان نمایندگان باشد وچه ازطرف همقطاره‌ای خودم باشد نمیتوانم مقاومت بکنم آن روزیست که میآیم پشت این تریبون ومیگویم که بچه علت وبرای چه استعفا میدهم (صحیح است - احسنت احسنت) بنده قوه مقاومتم خیلی است بعضی از آقایان نمایندگان هم اطلاع دارند که شاید بنده در خارج بیش از آنچه که ایشان تصور بکنند مقاومت میکنم اینست که بنده در مقابل توصیه اینقدر ها قوه و مقاومت دارم و آن قسمتیکه فرمودند راجع بمعاملات و سئوال ازوضعیت البته این را خودم تصدیق میکنم که یك مقدار زیادی ازخلاصهٔ معاملات ثبت نشده بود و بنده وقتیکه وارد وزارت عدلیه شدم از این قضیه اطلاع پیدا کردم وهنوز هم شاید یکمقدار کمی باقی مانده است ولی اعضاء ثبت را بنده دستور دادم وبخشنامه صادر کردم سه اکیپ کار میکردند برای همین وارد کردن خلاصه معاملات یکدسته در موقع اداری کارمیکردند یکدسته بعد از ظهرها و یکدسته هم شبها کار میکردند بنابراین حالا دیگر تصور نمیکنم که خلاصه معامله ای وجود داشته باشد که ثبت نشده باشد باوجود این همانطور که فرمودند سئوال از وضعیت خیلی مهم است و این دستور را هم داده ام که الان در دفاتر اسناد رسمی بدون اینکه سئوالی از اداره مرکزی نشود هیچ معامله ای انجام نمیشود و حتی دراین چند روز اخیر بخشنامه ای که در اینخصوص بنده داده ام معاملات یکقدری را که مانده وباعث شکایت یکعده‌ای هم شده است و ایراد کردند که معامله دیگر انجام نمیشود بنده جواب دادم که اگر معامله نشود ویك قدری کندتر بشود بهتر ازاینست که تندتر بشود و این بی ترتیبی‌ها وبی نظمیها پیش بیاید بنابراین نظر آقا را بنده تامین کرده‌ام.

نایب رئیس - آقای ایرج اسکندری .

فرخ - (خطاب بایرج اسکندری) موافقید یا مخالف ؟

ایرج اسکندری - مخالفم .

فرخ - دونفر مخالف پشت سرهم صحبت می کنند ؟

ایرج اسکندری - پس از بیانات آقای وزیر مانعی ندارد چون آقای وزیر بالایحه موافق بودند.

عرض کنم که بعضی لوایح و طرحهای قانونی است که بقدری ظاهر الصلاح است که اگر همینطور ما بگوئیم مخالفیم شاید درانظار همچو تصور بشود که این مخالفت صحیح نیست ولی اگر قانون را شکافتند وتحلیل وتجزیه کردند ودیدند که علت طرح آن درمجلس چیست وچرا با این سرعت آمده اند آنرا بگذرانند هزاران مطالب کوچك دیگر جلو میآید که آنوقت علت طرح آن معلوم میشود وعلت مخالفت بهتر واضح میشود . . .

فرهودی صحیح است .

ایرج اسکندری - این است که بنده خواستم اول علت مخالفتم را با این مقدمه بیان کنم قانون اصلاح دفاتر اسناد رسمی البته خوب است این هم یکی از هزاران مطالبی است که در این مملکت باید اصلاح شود ولی حتماً جزو آنهائی که باید اول اصلاح بشود نیست ولی حالا چطور شده است که بقید فوریت وبلافاصله میآید بمجلس وآقای وزیر عدلیه هم البته چون خودشان طرح کرده‌اند مجبورند که سنگش را بسینه بزنند این را باید فهمید علتش را میخواهیم بفهمیم چیست ما میخواهیم به بینیم که تمام کارها و اصلاحات مملکت درست شده و پشت سرهم ما کار کرده‌ایم و لایحهٔ آورده ایم فقط یك موضوع باقی مانده بود وآنهم اصلاح سر دفتر ها ودفاتر اسناد رسمی بود آن هم چه موقع ؟ موقعی که سر دفتر ها در این چند روزه با کمك و استعانت عده‌ای دیگری کلاه چند نفری را برداشته اند البته اگر کلاه یکعده اشخاص کوچکی را برداشته بودند مانعی نداشت ولی چون کلاه یکعده از اشخاص بزرك را بر داشته اند البته باید بلا فاصله لایحه بیاید در مجلس و مطرح بشود (خندهٔ نمایندگان) و آنهم تند تند بخواهیم اصلاحات علمی واخلاقی وفلسفی راجع بسر دفترها بکنیم خلاصه اگر علت این جریان را بخواهیم تحقیق بکنیم این است که چون دوماه پیش ازاین یك خانمی که نمیدانم اسمش چیست (چون پولی نداشته‌ام) کلاه چندنفر ازاعیان واشراف وآقایانی که پول داشته اند ونمیدانم از کجا آورده‌اند برداشته است این جار وجنجال پیدا شده والا بنده اطمینان میدهم که افکار عمومی ملت ایران بهیچوجه دراین موضوع مضطرب نشده ویك پول سیاه ازملت ایران برداشته نشده بلکه چون چند نفر پول جمع کرده بودند وبربح داده بودند وکلاه آنهارا برداشته‌اند البته قانون هم بایستی فوراً دراینمورد بیاید چطور میشود قانونی نیاید؟! دراین اجتماعی که ربح پول بصدی سی ۳۰٪ رسیده است دراجتماعی که ازاحتیاجات مردم واز بدبختی مردم اینقدر سوء استفاده میشود که صدی سی ۳۰٪ ربح میگیرند واقعاً خجلت آور است در مملکتی که مدعی هستید که شعائر اسلامی در آنجا عملی میشود وحکفر ماست واسلام ربارا حرام کرده است شما صدی سی ۳۰٪ ربح میگیرید وزیر عدلیه تان هم قانونی میآورد برای حفظ آن ربح این است طرز اصلاح ؟ هزاران اصلاح دیگر دراین مملکت هست کارگرها و دهقانان هی داد میزنند و فریاد میزنند که یك قانونی برای روابط بین کارگر وکار فرما بیآورید بمجلس و هنوز نیآورده اید و هیچ فوریت هم برایتان ندارد وروابط بین دهقان ومالك هم هیچ تأثیری برایتان ندارد ولی وقتیکه پول را بربح دادند وپول کسی را برداشتند این تأثیر دارد برای اجتماع سرو صدا وجنجال میشود وقانونی هم باید بیآید بمجلس وفوری هم باید تصویب بشود این است جریان کار عرض کنم .

سه طریق برای منفعت پول بطور کلی هست یعنی برای اینکه پول را بجریان بیندازند سه راه هست یکی اینکه در اجتماعات خیلی قدیمی اتفاقاً ربح پول ازآن اصولی است که در اجتماعات خیلی خیلی قدیمی این اصول عمل شده است ودرهمهٔ ممالك هم این قضیه عمل شده است یعنی پول را میدهند بکسیکه مورد احتیاجش است و مجبور است که قرض بکند برای اینکه گرسنگی است چاره نیست این پول را قرض میکند از روی فشار احتیاجات بعد میگوید اگر خواستی سال دیگر بدهی اینمقدار پول رویش بگذار معنیش این است که تو برو چشمت کور شود کار کن زحمت بکش عرق بریز و صدی سی ۳۰٪ ربحش را بده بمن میدانید؟ که امپراطوری روم برای همین ربح خوار گی منحط شد و از بین رفت برای اینکه یکعده مردم پیدا شدند که زندگیشان همین بود که بوسیله ربح خوردن و بوسیله مکیدن خون مردم استفاده میکردند این امپراطوری از بین رفت حالا هم شما میدانید که این مملکتتان در حال انحطاط است برای اینکه مشغول همین کار هستید . . .

حاذقی - بفرمائید مملکتمان برای اینکه خودتان هم جزو مائید .

ایرج اسکندری - بلی مقصودم همان جنابعالی است (خندهٔ نمایندگان) عرض کنم که فرم دیگری که برای مرابحه هست البته آن فورم جدید تری است آن فرمی است که درصنعت وتجارت بکار میرود بانکها پول قرض میدهند این البته فرم جدید ومدرن است این البته برای صنعت وتجارت خوب است اما آن که موضوع این لایحه است آن موضوع اولیه است یعنی فشار بمردم برای احتیاجاتشان آن کسی که این پول

را میگیرد از شما اسمش چی بوده نمیدانم جلالی بوده چی بوده نمیدانم گفته است آقا من این پول را میگیرم میدهم بفلان پیرزن که الان پول لازم دارد آنوقت او میرود کار میکند زحمت میکشد و پولرا بموقع خودش میآورد میدهد بعد اینقدرش را من برمیدارم بقیه اش راهم بتو میدهم خلاصه دعوا سر لحاف ملانصرالدین است یعنی یکعده ای بروند کار کنند زحمت بکشند ویکعده دیگر بیرند بخورند. فرم دوم که آنهم مربوط بمنفعت است اصلا، یعنی چطور سرمایه باید منفعت بدهد فرم دومش که ازنظر تاریخی بعد از فرم اول یعنی منفعت پول میآید فرم تجارت است یعنی شخص پولرا میدهد مال التجاره میگیرد بعد مال التجاره را میدهد پول زیادتری میگیرد اینهم یك سیستم است ولی البته مترقی تر بعد از آن میآید روی این اصل که پولرا بگذارند دریك صنعتی ویك عملی واز آن استفاده کنند جامعهٔ که درحال مرابحه است ودر فرم اول است یعنی درحال تنزیل گرفتن است آن اجتماع ازهر اجتماعی پائین تر است ازنظر اجتماعی واقتصادی بموجب قوانینی که ماداریم، در قانون تجارت ذکر شده است که صدی شش ربح معین شده است برای معاملات تجارتی بعد یك قانونی داریم راجع بخسارات محاکمه که در آنجا ذکر شده است صدی پانزده ربح بدهند البته قانون گفته است خسارت تأخیر تأدیه و نگفته است ربح ولی بطور کلی اینهم یك ربحی است برای اینکه اگر در محاکمه کسی محکوم شد باید بعنوان خسارت پانزده درصد بدهد (پوررضا. دوازده درصد است) ۱۲ درصد بود بعد ۱۵ درصد کرده اند (یکی از نمایندگان ـ اینطور نیست ۱۲ درصد است) بسیار خوب ۱۲ درصد باشد بنده منظورم این نیست که بگویم این بد است یا خوب است که صدی دوازده میزان خسارت تاخیر تادیه باشد میخواستم بگویم که ما در قانون داریم یکی موضوعش ٦ درصد است که همان قانون تجارت است ویکی هم موضوع خسارت تاخیر تادیه وبنده یادم است که بعد ازصدی ۱۲ یك قانون آمد و آن را ۱۵ درصد کرده است حالا آقا میفرمائید که دوازده درصد است بنده حرفی ندارم ولی ۲۰ در صد و ۳۰ درصد را که ما قانون نداریم آقا شما دارید لگالیزه میکنید ربح ۳۰ درصد را دراین مملکت و میگوئید قانونی است و برایش پروژه میآورید در مجلس من اگر بجای شما بودم، شما که دراروپا بودید و قوانین اروپائی را مدعی هستید که بلدید (دکتر عبده ـ بلی بلدند، استاد محترم ماهستند) درممالك اروپا اوزور و رباخواری جرم است کدام مقررات شما برای رباخواری جرم معین کرده است چرا باید ۳۰ درصد ازمردم ربح بگیرند؟ چرا باید بگیرند؟ چرا قانونی برای جلوگیری از آن نمی آورید آنوقت این ماده‌ای که برای حفظ وحمایت اشخاصی است که ربح میخورند میآورید و از ربا خواران حمایت میکنید؟ حمایت از آنهائی کنید که در اثر احتیاج و بدبختی مجبور شده اند که پول قرض کنند چرا ازاینها حمایت نمیکنید؟ برای اینکه البته بصلاح وصرفه نیست این است که ملاحظه فرمودید که این قانون را اگر تحلیل و تجزیه اش بکنیم ویکی یکی ببینیم که علت آمدن این پروژه و این قانون در مجلس چیست بر میخوریم باینکه چون یکعده از عزیزان بجهت این اجتماع یکقدری از گوشهٔ آن پول هائی که درجایهای مختلف مخفی کرده بودند یك قدریش سائیده شده آنوقت تمام دستگاه اجتماعی ما بحرکت می آید برای حفظ حقوق آقایان بلی، متأسفم ازاینکه باز باید تکرار کنم که شما اینجا لازم بود هزاران قانون ومقررات دیگر که در این مملکت لازمتر بود بمجلس میآوردید. مردم بدبخت این مملکت الان دوسال است سه سال است داد میزنند که ماتکلیفمان را باید بدانیم که این ارباب باید از ما اینقدر بگیرد یا بیشتر بگیرد یا کمتر بگیرد شما اصلا اسم این را نمی آورید، یکی از آقایان یادداشتی الان نوشته است که ربا به خانم وشمس جلالی ٦۰ درصد ۷۰ درصد ربح گرفته اند وای بحال مملکتی که مردم آن باید کار کنند بعد ۷۰ در صد از نتیجه کار خودشانرا بدهند بیکعده مفت خور بخورند ودولت هم یك قانونی برای حفظ وحمایت آنعده مفت خور وضع بکند درمجلس وای بحال آن ملت (یکی از نمایندگان ـ شمس جلالی خودش پول قرض کرده) ... خیر شمس جلالی پول راخودش کار نمیکند آن پولرا میدهد بآن شخصی که خودش باید کار بکند وزحمت بکشد واین پولرا بار بحش پس بدهد، قطع نظر از این مقدمات که بنظر من برای فوریت این لایحه درنظر گرفته شده بود حالا وارد میشوم دریك بحث قضائی راجع بمسائل مربوطه باین لایحه، امیدوارم که آقایان دلگیر نشده باشند راجع باین مطالب که بنده گفتم ولی من مجبورم که این مطالب را بگویم چون وظیفهٔ خودم میدانم که این مطالب را بگویم حالا اگر بعضیها رنجیدند بعضی ها هم شاید خوشحال شدند (اردلان ـ بعضی هایش هم جواب دارد) ... بقول آقا بعضی هایشان هم جواب دارد!

حالا ازنظر قضائی اگر بخواهیم ببینیم بطور خلاصه منظور از این قیست بهاین نتیجه میرسیم که اینجا یك مطلب راجع باصلاح دفاتر رسمی بطور کلی وسر دفترها ذکر شده و یکی هم یك اصلی را آورده اند که اصل تضامن است. اصل تضامن درامور جزائی لازم است ولی در امور حقوقی بعقیده بنده اصلا لازم نیست ولی راجع بصلاحیت علمی و عملی و اخلاقی و شاید بنده عقیده ام این بود که فلسفی اش راهم اضافه میکردید راجع بسر دفتران و دفتر یاران بعقیدهٔ بنده خیلی معذرت میخواهم اینها شعار است بطوریکه آقایان قبل از بنده هم اینجا بعرضتان رساندند صلاحیت علمی و عملی و اخلاقی اینها را کی باید تشخیص بدهد؟ اینقدر از این حرفهای تو خالی ومشعشع ما شنیدیم که مغزمان پر شده است یك کسی یك قصه ای میگفت، گفت یك بچه ای را داده بودند بغل یك کاکا سیاه و بچه گریه میکرد کاکا سیاه گفت نترس بچه جان من اینجا هستم بچه گفت من از خودت میترسم، آقا ما از خود این شورای عالی ثبت میترسیم. آنوقت آنجا صلاحیت علمی واخلاقی آنهارا تصدیق بکند؟ خود همین دستگاهی که میخواهد اینها را کنترل بکند همان دستگاه صلاحیت ندارد وما از خود این دستگاه اطمینان نداریم آنوقت شما میگوئید صلاحیت علمی واخلاقی اینها را این دستگاه تعیین بکند؟ راجع به قضات اگرچه در بین آقایان قضات اشخاص پاکدامن هستند و بنده آنها را می شناسم ولی متاسفانه باید اقرار کرد که با همه اینهائیکه راجع بسر دفتران نوشته بودند اخلاقی و علمی وفلسفی و اجتماعی تمام آنها برای قضات هم هست ولی متاسفانه نمیتوانم ادعا بکنید که عدلیهٔ ما خیلی خوب است خلاصه بنده مقصودم اینست که تمام این حرفها فقط دلخوش کنك هستند. بطوریکه آقای دکتر مصدق فرمودند مجال میدهد بدولت که یك عده ازاعضایش را تغییر و تبدیل بدهد هروزارتخانه وقتی که یك ماده میآورد بمجلس که اختیار بدهند بدولت که درعرض ٦ ماه رتبه هارا اصلاح بکند نسبت به لیاقت واستعداد اشخاص این معنایش این است که هر کس را میخواهد بردارد و هر کس را میخواهد سرجایش بگذارد این هم معنایش این است که یك سردفتر را بر میدارند و محل آن یکی را عوض میکنند با این یکی درصورتیکه اگر شما طرفدار منطق وحق هستید من روی منطق قضائی خودتان باشما صحبت میکنم روی اصول منطق اساسی و قضائی شما حق مکتسب یکنفر را بموجب قانون چطور از او سلب می کنید؟ سر دفتری را امروز همه میدانند که مثل کسب میماند الان از این لحاظ ایندفتر در یك نجائی است، دریك محلی است، یك معروفیتی پیدا کرده است واگر ما بخواهیم این دفاتر را از آنها بگیریم مثل اینست که یك قانون بیاورند که هر کس در خیابان لاله زار دکان دارد دکان را ازاو بگیرند خوب اگر این را قبول دارید اشکالی ندارد اما اگر اصول قضائی ما این حقوق مکتسبه را محفوظ داشته باشد آنوقت باید دقت کنید زیرا که حقوق اشخاص، حقوق مکتسبهٔ اشخاص را نمیشود باین سادگی و باین زودی غصب کرد، چند نفر کلاه یکنفر را برداشته و بسر یك نفر دیگر گذاشته اند والبته روی این اصل افکار عمومی، افکار عمومی خیلی خصوصی (خنده نمایندگان) تحریك شده است ونتیجه اش این شده است که این قانون بیاید بمجلس، اینهم موضوع این قسمت. بنده زیاد راجع باین مطلب صحبت نمیکنم چون مطلب اساساً واضح است وبحث هم لازم ندارد اما راجع به موضوع تضامن، این اصل تضامن در حقوق یك اصلی است، ببخشید بنده عادت ندارم که زیاد لغات فرانسه استعمال کنم ولی این را برای تشریح قضائی عرض میکنم باین اصل تضامن میگویند سولیداریته، دردین، درطلب اسم این را گذاشته اند تضامن و بنده نمیدانم که از نظر فرهنگستان این درست است یا نه لغتی است گفته اند ماهم یاد گرفته ایم عرض کنم که معنی تضامن اینست که اگر دو نفر یا چند نفر راجع به چیزی مدیون شدند یعنی دینی پیدا کردند طلبکار میتواند بهریك ازاینها جداگانه برای وصول مبلغ دین مراجعه بکند این را میگویند اصل تضامن، این موضوع را من برای اینکه خوب تشریح بکنم تصدیع میدهم که قضیه خوب حلاجی بشود، خلاصهٔ معنیش این است که چند نفر که مدیون شدند ـ طلب کار می تواند بهر کدام ازاین مدیونین منفرداً راجع بتمام مبلغ ادعا کند این را بهش تضامن میگویند (یکی از نمایندگان ـ جمعا؟!) نه آقا اینطور نیست مجتمعاً همه شان که راجع بآن دین مدیون هستند اینکه واضح است ولی اصل تضامن اینست قربان که طلبکار بهر کس داش خواست مراجعه بکند، خلاصه اش اینست که اگر من دیدم این یارو پول ندارد میروم یقهٔ آن یکی را میگیرم برای تمام پولم حالا کلاه سر دیگری رفته برود. در قانون تجارت ما هم اصل تضامنی پیش بینی شده ودراطراف اوهم ما قانونی داریم که در امور تجاری اشخاص بطور تضامن مسئول هستند یعنی متضامناً مسئول هستند وآن چیزیکه در اینجا اتفاقاً منهم معتقدم این است که درامور قضائی هم خساراتی که راجع بیك جرم واقع میشود باید واقعاً شرکاء معاونین جرم متضامناً مسئول باشند ودرجاهای دیگر هم همینطور این صحیح است بنابراین بنده در این موضوع اشکال ندارم این هم ازنظر آن تحلیل وتجزیهٔ که عرض کردم خیلی قابل ملاحظه ودقت است باین جهت خواستم این را هم نشان بدهم والا اصل تضامن درست است وراجع باین موضوع اشکالی ندارم واین موضوع تضامن در تجارت یادرهر مورد دیگری هم درست است باین معنی که اگر یکی از آنها یك عملی را کرد که ازآن یك زیان وضرری بیك کسی وارد شد جمعا باید جبران بکنند چون

هریك ازاین عناصر که تشکیل دهندهٔ جرم هستند اگر نبودند جرمی واقع نمیشد. بنابراین این عادلانه هم هست که ازاین یك نفر نسبت بتمام وجه مطالبه بشود. اما چیزی که خیلی اسباب خیال است این عبارت است که نوشته، متضامناً مسئول پرداخت تمام ضرر وزیان بمدعی خصوصی خواهند بود اگر ... (تمام حرفها سر این اگرچه هست) منشاء این خسارات قبل از تصویب این قانون باشد که این موضوع در واقع خلاصه این لایحه است یعنی اگر در آتیه هم یك قضیه ای اتفاق افتاد مازیاد طرفدار آتیه اش نیستیم این گذشته اش خیلی مهم است در صورتیکه همه میدانید هیچ قانونی اینطور نیست. اگر آقایان باصول قضائی عقیده دارند عطف بما سبق کردن یك قانون آنهم دریك مورد جزائی که مطابق تمام نصوص قوانین عالم عطف بماسبق در مورد قوانین جزائی صحیح نیست در این قانون ذکر شده است آیا ما میتوانیم این را طور دیگر تفسیر بکنیم؟ این را آقا تنها برای اطمینان خاطر چند نفری که در نظر دارند این جا گذاشته اند. این را خواهش میکنم انصاف بدهید عیناً همینطور است که بنده عرض میکنم وجور دیگر نمیشود تعبیر کرد...

نایب رئیس ـ آقای اسکندری یك قدری صبر کنید اکثریت نیست.

ایرج اسکندری ـ ... ممکن است آقایان بگویند که بنده راجع بمرابحه صحبت نمیکنم بنده وارد موضوع قضائی هستم.

محمد طباطبائی ـ حالا که اکثریت هست جلسه را ختم کنید یکساعت بعدازظهر است.

نایب رئیس ـ آقای اسکندری بفرمائید اکثریت شد.

ایرج اسکندری ـ ... عرض کنم برای اینکه زود تمام بکنم و جلسه دو مرتبه از اکثریت نیفتد که بار دیگر مجبور شوم اسباب زحمت آقایان بشوم عرایضم را خیلی مختصر می کنم. عرض کنم دراین ماده راجع بآن قسمت اول توضیح دادم که راجع به موضوع عطف بماسبق بود در قسمت دیگر این ماده مینویسد: اگر دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل جرم را دارد تشخیص دهد که یك یا چند نفر از متهمین بقصد اضرار مدعیان خصوصی معاملاتی نموده اند حکم بطلان آن معامله وجبران خسارت وارده بمدعی خصوصی را خواهد داد.

عرض میکنم که محکمه جزا بموجب قوانین هیچوقت اصالتاً بدعوی حقوقی رسیدگی نمیکند محکمه جزا تبعاً از لحاظ دعوای جزائی بامر حقوقی رسیدگی میکند و فقط هم راجع بضرر و زیان رسیدگی میکند. حالا تصمیم گرفته اند که راجع به بطلان هم رسیدگی کند در صورتیکه این موضوع بطلان یك موضوع بسیار دقیقی است وباید حتماً یك محکمه ای باشد که وارد این چیزها باشد والا محکمه جزا فقط روی این موضوع رسیدگی میکند که آیا این موضوع واقع شده یا نشده؟ آیا جرم است یا نیست؟ اگر جرم است که میگوید آقا شما مثلا ۲۰۰ تومان یا ۵۰۰ تومان باید بدهی ودیگر وارد این موضوع نمیشوند که آیا این معامله ای که شده است ازنظر حقوقی وقضائی باطل است یا باطل نیست این مطالب اصلا از صلاحیت محکمه جزائی خارج است واین مطالب را وارد محکمه جزا کردن اصلا بنظر بنده صلاح نیست و آن مادهٔ که درست کرده اند که رفع مسئولیت میکند در اصول محاکمات جزائی که دادگاه جزائی اگر از امر جزائی فارغ شد میتواند بامور حقوقی رسیدگی بکند این یك کلاه شرعی است در صورتیکه این محکمه نمیتواند بامر حقوقی رسیدگی کند و اصلا منظور بنده این است که این معاملات را اگر محکمه جزا بخواهد رسیدگی بکند و باطل بکند این مخالف اصول تمام محاکمات جزائی است. این موضوع بطلان یك امر حقوقی است تشخیص بطلان و عدم بطلان با محاکم حقوقی است واین محکمه جزا که الان بجرم رسیدگی کرده و قسمت جزائی را تشخیص داده است دیگر ما نمیتوانیم یك مسائل عریض و طویل حقوقی را هم بعهده او بگذاریم و بنده یقین دارم که این موضوع مطابق اصول و کار محکمه جزا نیست چون ممکن است تحقیقات محلی و وجود خبره و هزار چیز دیگر لازم باشد که اصلا محکمه جزا کارش این نیست. این است که بنده عقیده دارم که این قسمت از ماده حذف شود چون اصلا معنی ندارد و این هم برای تسریع کار همان آقایان عطف بماسبق شده چون پشت سرش میگوید اگرچه تاریخ آن معاملات قبل از تصویب این قانون باشد. خلاصه بطور پوست کنده گفته شده است که باید رسیدگی بشود و نسبت بآن سه چهار نفری که کلاه شان برداشته شده است محکمه جزا رسیدگی میکند و حکم بطلان را میدهد و این صحیح نیست. دیگر بنده عرضی ندارم و خاتمه میدهم بعرایضم و امیدوارم عرایضی که بنده کردم آقایان را دلگیر نکرده باشد و ما منتظر بودیم که آقا عوض این قضیه یك ماده ای راجع بمنع ربا خواری میآوردند.

مخبر (آقای نبوی) ـ بنده از ترس اینکه مجلس از اکثریت نیفتد و آخر وقت هم هست خیلی مختصر صحبت میکنم. عرض کنم جز حفظ حق اشخاص وجلو گیری از تقلب و کلاه برداری دراین لایحه هیچ نظر دیگری نبوده است و بنده علت آن راتنها همین میدانم حالا آقایان اگر تعبیرات دیگری میفرمایند بنده چه عرض کنم. آقای دکتر مصدق فرمودند که عده سر دفتر ها زیاد هستند این را بنده هم تصدیق میکنم و یکی از جهاتی که باعث تهیه این لایحه شده همین است که آن زیادی ها از بین بروند. اصلا ما در شهر تهران این همه سر دفتر لازم نداریم ولی چون یك شغلی بوده است که منافع زیادی داشته (البته بطور نا مشروع) اشخاص زیادی تقاضا کرده اند و این شغل را گرفته اند. و البته تعداد آنها زیاد است چون در تهران شاید ۲۰۰ سر دفتر باشد و این برای شهر تهران خیلی زیاد است. و مقصود از تقدیم این لایحه هم این است که از آنها بکاهیم و در ماده یك هم ذکر شده است. اما اینکه فرمودند سر دفتر ها باید مستخدم دولت باشند این موضوع ازنظر اشکالاتی که دارد و آقای وزیر عدلیه هم توضیح دادند جایش اینجا نیست و هروقت که قانون راجع بسر دفترها مطرح شد ممکن است آنموقع بفرمایند. یا اینکه اصلا ممکن است یك طرح جداگانه ای تنظیم کنند و آقایان هم قبول بفرمایند اما موضوع دیگری که آقایان میفرمایند خلاصه معاملات ثبت نشده است این را خواستم عرض کنم همانطور که آندفعه هم عرض کردم دراین کار سر دفتر ها هم تقصیر دارند علاوه بر اینکه بعضی از مأمورین ثبت تقصیر دارند ولی اخیراً باین وضعیت خاتمه داده شده و آن چندین هزار خلاصه معامله ای که تا کنون ثبت نشده است برای آنها یك مأمورینی گذاشته اند و تمام ثبت شده است وخود کشف این جرائم و اینکه از یك دفتری یك اطلاعاتی بدست آمده است دلیل این است که حالا یك مراقبت بیشتری در اداره ثبت هست و حالا که این مراقبت ها شروع شده ممکن است عده این کلاه برداریها وخلاف کاریها منحصر باین چند تا باشد چنانچه هر روز هم یك چیزهای تازه کشف میشود. آقای اسکندری فرمودند چطور شد میان این همه مفاسد وخرابی هائی که در مملکت هست تنها این موضوع را در نظر گرفته ایم ومطرح کرده ایم. ما یك اصل کلی داریم که میگوید: اثبات شیئی نفی ما عداي نمیکند این حرف که چون ما خیلی از قوانین هست که باید بگذرانیم این دلیل نمیشود که ما این کار را هم نکنیم وهرچه مفاسد وخرابی داریم بگذاریم یکدفعه اصلاح کنیم. البته خیلی از قوانین است که باید عوض بشود و تدریجاً هم اصلاح خواهد شد و این قانون مختصر هم یکی از آنها است. آن قانون مربوط بکار راهم که فرمودند بمجلس تقدیم شده است ومدتی است در کمیسیون است حالا اگر کمیسیون یك قدری تکامل کرده است نباید قانون سردفتر هارا گرو کشید که چرا قانون کار نیامده است! یك موضوع دیگر این بود که فرمودند این قانون برای حفظ حقوق یك اشخاص مقتدری است که یك مبالغ عمده ای از آنها گرفته شده است. اتفاقاً میخواستم عرض بکنم که بر خلاف این است پولهائی که حاج ربا به گرفته است اغلبش ۲۰۰ تومان و ۳۰۰ تومان است که اغلب مال یك مشت مردم فقیر وبی بضاعت است حالا فرض کنید یك مقداریش هم مال اشخاص غنی است ما کلاه برداری را نباید اجازه بدهیم خواه فقیر خواه غنی (صحیح است) ما منظورمان تنها جلوگیری از کلاه برداری است حالا اگر یك عده اشخاص خدا ناشناسی هستند که یك ربحهای گزافی میگیرند این دیگر مربوط باین قانون نیست و یك بحث علیحده ای است. راجع بسر دفترها فرمودند ودرضمن بیاناتشان تقریباً تصدیق کردند که ممکن است بین این سردفترها یك اشخاص ناصالحی باشند ولی نسبت بشورای عالی ثبت هم اظهار عدم اعتماد کردند. ما آقا یك مقاماتی داریم که ناچاریم خوبی وصحت آنهارا تصدیق کنیم شورای عالی ثبت مرکب از بهترین قضات ماهستند مرکب از اشخاصی هستند که سالها کار کرده اند و سابقه دارند ودر جامعه بخوبی و صلاحیت وصحت عمل شناخته شده اند ما اگر بخواهیم کار آنهارا هم تکذیب بکنیم دیگر هیچ مقامی باقی نخواهد ماند برای اینکه بهترین قضات درجه اول دیوان عالی کشور اعضای شورای عالی ثبت هستند (صحیح است) وتابحال هم چیزی از آن هاشنیده نشده است ومانمیتوانستیم که خدشه ای درعملیات آنها بکنیم گمان فرمودند که ما بحقوق مکتسب اشخاص صدمه میزنیم من خیال میکنم اینطور نباشد برفرض یك اشخاصی بیك طریق بی اساسی سردفتر شده اند مانمیتوانیم منافع جامعه را فدا بکنیم برای حقوق مکتسب آنها، همین قانونی را که آقای فرهودی قرائت کردند برای سردفتران شرایطی معلوم ومعین کرده است حالا اگر یك کسی با یك وضعیاتی یك ورقه بدست آورده ورفته است سردفتر شده است مانمیتوانیم بگوئیم چون این حقوق مکتسب دارد نباید در اطرافش صحبت کرد بلکه باید رسیدگی کرد دراطرافش واگر واقعاً صلاحیت ندارد ردش کرد ومانمیتوانیم مصالح جامعه را فدای یکفرد بکنیم بعنوان حقوق مکتسب آن شخص. اما موضوع دیگر اینکه فرمودند مخصوصاً عطف بماسبق شده درامور حقوقی میتوان عطف بماسبق نمود، و امور حقوقی مثل امور جزائی نیست طرز کلاهبرداری ها و دزدیها زیاد است غالباً دیده اید ومخصوصاً آقای اسکندری که کاملا در پرونده ها وارد هستند و مشاهده کرده اند میدانند که غالباً اموال

سرقت شده در دست کس دیگری است غیر از آنکه اورابنام متهم ومجرم تعقیب کرده‌اند واگر به پرونده‌ها مراجعه کنیم دیده میشود که از هزارپرونده ۹۹ تاش آنهائی است که جرمش ثابت شده ومجرم معین شده است ولی قضات نتوانسته اند کاری بکنند که آن اموال دزدی شده را پس بگیرند وبصاحبان حقیقی آن بدهند چرا ؟ برای اینکه آن اموال را بایك طرق حقه‌بازی باشخاص ثالث منتقل کرده‌اند واسم آن اشخاص در توی پرونده نیست وما مقصودمان اینستکه یك کاری بکنیم که بوجه سریع مردم بپول و حقشان برسند و درپیچ وخمها گرفتار نشوند حضرتعالی ملاحظه بفرمائید که درمحاکم کم کم دیده‌شده است که دادگاههای کیفری بتوانند حق مدعی خصوصی را باو برسانند و بهمان دلیلی که فرمودند چون مینویسند که از کار جزائی فراغت یافتیم و کار حقوقی باید بمحکمه حقوقی مراجعه شود پس حکمی از محکمه جزا صادر شده ولی آن مدعی خصوصی نمیتواند بحقوق خودش برسد وما مقصودمان اینست که محکمه جزا حکم برای گرفتن حقوق این اشخاص هم بدهد و یك اصل دیگری هم مادر قانون مدنی داریم که این قانون هم تبیین همان اصل است که معاملاتی که بضرر غیر باشد و برای فرار از تادیه دین باشد اصلا باطل است وما باید همیشه این قبیل مسائل را درمد نظر داشته باشیم وچون بهمان دلیل که فرمودید محاکم جنحه رأی نمیدادند باین قسمت وواردنمیشدند میگفتند از جزائی فارغ شدیم و قسمت حقوقی آن باید بدادگاه حقوق مراجعه شود ما خواستیم محکمه جنحه رامکلف کنیم که برفرض چندروز هم بیشتر طول بکشد صرف وقت کند وجهات کاررا ملاحظه کند و ببطلان معامله حکم بدهند برای مدعی خصوصی (ایرج اسکندری - عطف بما سبق هم بکند ؟) عطف بماسبق هم عرض کردم نمیشود امرحقوقی است.

دکتر کشاورز - خواهش میکنم دوسه‌تا از آن طلبکاران دویست تومانی حاجی ربابه را هم که فرمودید اسم ببرید .

۶ موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

نایب رئیس - چون وقت گذشته جلسه راختم میکنیم(صحیح است) جلسه آتیهٔ روزیکشنبه ۲۹ بهمن ماه دستورهم بقیه این لایحه .

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - ملك مدنی

اخبار مجلس

کمیسیون بودجه

کمیسیون بودجهٔ مجلس یکساعت و نیم قبل ازظهر بریاست آقای ملك مدنی وباحضور آقایان وزیر دارائی - وزیر فرهنك - وزیر کشور - وزیر بهداری - معاون وزارت کشاورزی و آقای پیکسلی رئیس اداره حسابداری‌ها و ممیزی و آقای خواجه نوری تشکیل لایحه اعتبار دو دوازدهم هزینهٔ مملکتی برای دو ماهه بهمن و اسفند ۱۳۲۳ مطرح . از مادهٔ پنجم تا آخر لایحه مادهٔ ۱۱ بااصلاحاتی تصویب گردید و قرار شد برای طرح مادهٔ الحاقیه راجع ببودجهٔ شهرداریها و غیره فردا روز یکشنبه صبح قبل ازتشکیل مجلس کمیسیون تشکیل شود .

غائبین بااجازه - آقایان دکتر طاهری - مؤید ثابتی - افخمی .

مواد مصوب بشرح پیوست است .

مادهٔ پنجم - دولت مجاز است وامهائی که جهت دولت و وزارتخانه ها و ادارات و احتیاجات بنگاهها بموجب قوانین مربوطه از بانك ملی ایران دریافت نموده وسررسید قانونی آنها بدون استرداد کامل منقضی گردیده ویاقبل از پایان سال ۱۳۲۴ منقضی میگردد تا آخر سال ۱۳۲۴ تمدید نماید.

مادهٔ ششم - بوزارت دارائی اجازه داده میشود :

الف) اضافه بهای مخابرات تلگرافی سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ وزارتخانه ها و ادارات وبنگاههای دولتی را که علاوه براعتبار مربوطه بعمل آمده جمعاً خرجا بحساب قطعی سالهای مذکور منظور نماید.

ب) هزینهٔ انتخابات دورهٔ چهاردهم تقنینیه را که درسال ۱۳۲۳ انجام یافته ازمحل اعتبار مربوطه منظور دربودجهٔ ۱۳۲۲ کل کشور پرداخت نماید .

ج) حقوق و هزینهٔ کارمندان بیگانه ژاندارمری را ازبابت سالهای ۱۳۲۱و۱۳۲۲ که طبق قانون مصوب ۲۸ مهر ماه ۱۳۲۲ و مادهٔ ۲۵ قانون متمم بودجهٔ ۱۳۱۴ استخدام شده اند وعلاوه براعتبار ایجاد شده بحساب صرفه جوئی بودجهٔ ادارهٔ مذکور درسالهای مزبور منظور نماید.

مادهٔ هفتم - بوزارت دارائی اجازه داده میشود با قرار داد مورخ ۱۰ مرداد ۱۳۲۳ که وزارت فرهنك برای تکمیل ساختمان سه دبستان نوبنیاد در تهران منعقد نموده موافقت وازمحل اعتبارمربوطه پرداخت نماید.

تبصره - ازاول فروردین ۱۳۲۴ استخدام اتباع بیگانه بدون تصویب مستقیم مجلس شورای ملی بهرعنوان که باشد ممنوع است ودولت مکلف است منتهی درظرف یکماه از این تاریخ فهرستی از اسامی و مبلغ حقوق مستخدمین بیگانه را که تا امروز بموجب مادهٔ ۲۵ قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۴ اعم از روزمزد وغیره استخدام شده اند برای تصویب کمیسیون بودجه تقدیم دارد و حقوق آنان طبق بودجه های مصوب پس ازتصویب کمیسیون بودجه قابل پرداخت است.

مادهٔ هشتم - اعتبار مادهٔ ۶۲ بودجه سال ۱۳۲۲ کل کشور شامل مصارف فانوس های دریائی و کلیه هزینه های مربوط بسالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و۱۳۲۲ میباشد.

مادهٔ نهم - بوزارت دارائی اجازه داده میشود برای امکان پرداخت بعضی هزینه‌های ضروری غیر مستمر منظور در بودجهٔ تفصیلی وزارتخانه ها و ادارات و بنگاههای دولتی و همچنین برای تکمیل سازمانهای ضروری در هرموقع که مقتضی بداند با انتقال اعتبار یك یاچند ماده بمواد دیگر بعد از تصویب کمیسیون بودجه موافقت و اجرا نماید مشروط بر اینکه از جمع کل بودجه سال ۱۳۲۲ بعلاوه اضافه اعتبارات مصوب سال ۱۳۲۳ هروزارتخانه و اداره یا بنگاه تجاوز ننماید .

مادهٔ دهم - بوزارت دارائی اجازه داده میشود از محل اجاره بهای سالیانه استفاده از کارخانه هواپیما سازی شهباز مصارف تعمیر تکمیل وتوسعهٔ فرودگاههای ارتشی رابوزارت جنك پرداخته جمعاً خرجاً بحساب منظور نماید.

ماده یازدهم - الف - اعتبار اضافی بمبلغ ده میلیون ریال برای احتیاجات ساختمانی و تعمیراتی فوری وزارت راه داده میشود که طبق برنامه‌ای که بوسیله وزارت راه تهیه و بتصویب وزارت دارائی میرسد مورد استفاده قرار گیرد.

ب - اعتبار اضافی بمبلغ پانزده میلیون ریال برای احتیاجات فوری ادارهٔ آبیاری وزارت کشاورزی که طبق برنامه‌ای که توسط ادارهٔ آبیاری تهیه و بتصویب وزارت دارائی میرسد مورد استفاده واقع شود.